

# تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزامات

تقریر دروس تفسیری حضرت آیت اللہ مہدوی کنی (رحمۃ اللہ علیہ)  
(جلد اول)

تنظیم و ویرایش:  
دکتر محمد جانی پور  
دکتر نادر جعفری ہفتخوانی



دانشگاه امام صادق

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵  
E-mail: isu.press@yahoo.com  
فروشگاه اینترنتی:  
www.ketabesadiq.ir

تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزامات: تقریر دروس تفسیری حضرت آیت الله مهدوی کنی (ره) (جلد اول)  
تنظیم و ویرایش: دکتر محمد جانی پور و دکتر نادر جعفری هفتخوانی ■ نسخه پردازی: محمد روشنی  
نمایه سازی و نظارت بر نسخه پردازی و چاپ: رضا دبیرا ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۵  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: مجتمع چاپ برتر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۶۰-۷

قیمت: ۱۷۰/۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۱۰ - ۱۳۹۳.  
عنوان و نام پدیدآور: تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزامات: تقریر  
دروس تفسیری حضرت آیت الله مهدوی کنی (ره) / تنظیم و ویرایش: محمد  
جانی پور و نادر جعفری هفتخوانی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ج.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۶۰-۷  
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴  
شناسه افزوده: جانی پور، محمد، ۱۳۶۱ -، ویراستار  
شناسه افزوده: جعفری هفتخوانی، نادر، ۱۳۵۱ -، ویراستار  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۷۲ ۱۳۹۴ م/۹۸ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۴۶۹۱۴

---

تقدیم

به آستان مقدس حضرت ولیّ عصر صلوات الله علیه و علی آبائِه

و

به روح بلند معلّم، مرئی و پدر معنوی ما

حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمته)

به امید اینکه اندکی از وظیفه شاگردی خویش را ایفا کرده باشیم.

---



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: کلیات.....	۲۱
۱-۱. مقدمه.....	۲۱
۲-۱. نیازمندی قرآن کریم به تفسیر.....	۲۱
۱-۲-۱. بررسی مفهوم تفسیر و واژگان متقارب آن.....	۲۴
۲-۲-۱. ضرورت درک حقیقت قرآن.....	۲۷
۱-۲-۲-۱. طهارت؛ مقدمه درک حقیقت قرآن.....	۲۹
۳-۱. انواع روش‌های تفسیر قرآن.....	۳۱
۱-۳-۱. کاربردهای روش تفسیر قرآن به قرآن.....	۳۳
۱-۱-۳-۱. کشف ارتباط میان آیات.....	۳۳
۲-۱-۳-۱. بیان مفاهیم و مصادیق.....	۳۶
۳-۱-۳-۱. رفع ابهام و اجمال از قرآن.....	۳۹
۴-۱. انواع سبک‌های تفسیر قرآن.....	۴۳
۱-۴-۱. تفسیر تنزیلی.....	۴۳
۲-۴-۱. تفسیر ترتیبی.....	۴۵
۳-۴-۱. تفسیر موضوعی.....	۴۶
۱-۳-۴-۱. ملاحظات تفسیر موضوعی.....	۴۹
۲-۳-۴-۱. تمایز تفسیر موضوعی از تفسیر فرهنگی و لغوی.....	۵۰

۸ □ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزامات (جلد اول)

- ۳-۳-۴-۱. امکان‌سنجی پرداختن به همه موضوعات در قرآن کریم ..... ۵۳
- ۴-۳-۴-۱. اصول موضوعه قرآن کریم ..... ۵۸
- ۵-۳-۴-۱. موضوعات شایسته تحقیق و پژوهش در قرآن کریم ..... ۶۰
- فصل دوم: معرفی قرآن در قرآن ..... ۶۹**
- ۱-۲. جایگاه رفیع قرآن ..... ۶۹
- ۲-۲. مراتب قرآن و جهان هستی ..... ۷۱
- ۱-۲-۲. امکان فهم مراتب متعدد قرآن کریم ..... ۷۴
- ۲-۲-۲. تطابق قرآن با لوح محفوظ ..... ۷۸
- ۳-۲-۲. تطابق قرآن با خزانه غیب الهی ..... ۸۰
- ۳-۲. کلام‌الله بودن قرآن کریم ..... ۸۳
- ۱-۳-۲. ادله کلام‌الله بودن الفاظ قرآن کریم ..... ۹۰
- ۱-۳-۲. وحی الفاظ قرآن ..... ۹۰
- ۲-۳-۲. استماع الفاظ قرآن ..... ۹۳
- ۳-۳-۲. نزول تدریجی الفاظ قرآن ..... ۹۵
- ۴-۲. ابزارهای فهم قرآن ..... ۹۷
- ۱-۴-۲. لزوم استفاده از روایات در فهم قرآن ..... ۹۹
- فصل سوم: محکم و متشابه ..... ۱۰۵**
- ۱-۳. بررسی نظریات مختلف مفسران در خصوص آیات محکم و متشابه ..... ۱۰۵
- ۱-۳-۱. محکم و متشابه از نگاه طبری ..... ۱۰۸
- ۲-۳-۱. محکم و متشابه از نگاه فخر رازی ..... ۱۱۱
- ۲-۳. تجلیات ام‌الکتاب در قرآن ..... ۱۱۴
- ۳-۳. مفهوم لغوی و اصطلاحی محکم در قرآن ..... ۱۱۵
- ۴-۳. مفهوم لغوی و اصطلاحی متشابه در قرآن ..... ۱۱۹
- ۵-۳. انواع تشابه در قرآن کریم ..... ۱۲۱
- ۱-۵-۳. تشابه در الفاظ ..... ۱۲۱
- ۲-۵-۳. تشابه در ترکیب ..... ۱۲۵
- ۶-۳. عوامل ایجاد تشابه از منظر قرآن ..... ۱۲۸
- ۷-۳. ملاک تشخیص محکمت از متشابهات ..... ۱۳۱

۱۳۳.....	۸-۳. علت پیروی از متشابهات.....
۱۳۵.....	۹-۳. فایده وجود تشابه و ابهام در قرآن کریم.....
۱۳۸.....	۱۰-۳. امکان سنجی فهم متشابهات.....
۱۴۱.....	۱۱-۳. تشابه نسبی و محکم و تشابه نسبی.....
۱۴۵.....	۱۲-۳. سوءاستفاده از متشابهات.....
۱۵۱.....	<b>فصل چهارم: تأویل.....</b>
۱۵۲.....	۱-۴. ضرورت پرداختن به مفهوم تأویل.....
۱۵۵.....	۲-۴. تفاوت تفسیر و تأویل.....
۱۵۸.....	۳-۴. تفاوت ترجمه و تأویل.....
۱۶۰.....	۴-۴. معانی مختلف تأویل.....
۱۶۰.....	۱-۴-۴. بازگشت به حقیقت اشیاء.....
۱۶۲.....	۲-۴-۴. توجه به معانی باطنی.....
۱۶۳.....	۳-۴-۴. تحقق اخبار در آینده.....
۱۶۵.....	۴-۴-۴. توسعه معنایی.....
۱۶۹.....	۵-۴-۴. تضییق معنایی.....
۱۷۱.....	۶-۴-۴. توسعه در علت.....
۱۷۴.....	۷-۴-۴. تأویل نزد عرفا.....
۱۷۵.....	۸-۴-۴. مطلق تفسیر قرآن.....
۱۷۶.....	۵-۴. امکان سنجی درک تأویل برای خواص.....
۱۷۸.....	۶-۴. امکان سنجی تأویل آیات متشابه.....
۱۸۳.....	<b>فصل پنجم: دین اسلام.....</b>
۱۸۳.....	۱-۵. مفهوم «دین».....
۱۸۶.....	۲-۵. مفهوم «اسلام».....
۱۸۸.....	۳-۵. مفهوم «دین اسلام».....
۱۹۳.....	۴-۵. تأکید بر قیّم بودن دین اسلام.....
۱۹۷.....	۵-۵. تبیین رابطه دین و فطرت.....
۱۹۹.....	۶-۵. تبیین رابطه دین و فطرت با شریعت.....

فصل ششم: فطرت	۲۰۱
۱-۶. مفهوم لغوی «فطرت»	۲۰۲
۲-۶. تمایز مفهوم «فطرت» از اصطلاحات مشابه	۲۰۴
۳-۶. علت فراموشی دین و فطرت	۲۰۶
۴-۶. امکان‌سنجی تبدیل دین و فطرت	۲۰۸
۵-۶. امکان‌سنجی تعهد طرفینی در دین	۲۱۳
۶-۶. خلق انسان بر اساس خمیرمایه الهی	۲۱۵
۷-۶. اقتضای فطرت در نهاد انسان	۲۱۸
۸-۶. بررسی آیات نظیر در مسئله فطرت	۲۲۱
۱-۸-۶. بررسی آیات اضطرار	۲۲۲
۲-۸-۶. بررسی آیات میثاق	۲۲۴
فصل هفتم: آسیب‌شناسی تفاسیر قرآن کریم	۲۳۱
۱-۷. خلط بین مصداق و مفهوم	۲۳۲
۲-۷. تطور معنایی واژگان قرآنی	۲۳۶
۳-۷. وضع الفاظ برای حقیقت معنا	۲۳۹
۴-۷. چگونگی شناسایی حقیقت معنای کلی الفاظ قرآنی	۲۴۲
منابع	۲۴۷
نمایه آیات قرآن کریم	۲۵۵
نمایه احادیث	۲۶۳
نمایه	۲۶۷



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

---

## سخن ناشر

---

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی —

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

---

## مقدمه

---

قرآن کریم مهم‌ترین متن علمی و تربیتی است که استفاده صحیح از آن، موجب شکوفایی جامعه و رفع مشکلات بشر خواهد شد. محدود کردن این بزرگ‌ترین کتاب آسمانی در حد تلاوت و قرائت صرف، و پرداختن به صوت و لحن، امری نابخشودنی؛ اما متداول در حق این ودیعه الهی است. اگر امروزه شاهدیم که از این کتاب عزیز، آن اثر متوقع استیفاء نمی‌شود، به‌خاطر مهجور بودن این گنج گران‌بهاست. برای پیشرفت و سعادت خانواده و جامعه، جز اینکه خویشتن خویش را به این معجون حیات‌بخش و معارف آن عرضه نماییم، راهی دیگر نباید جست. باید با قرآن حکیم، حیات انسانی یابیم و در عمل معلوم سازیم که قرآن در رأس همه امور و برنامه‌های زندگی است و برای تحقق این مهم، گریزی نیست جز اینکه قرآن را از مهجوریت به درآوریم و آن را در متن زندگی خود قرار دهیم.

قرآن کریم، دریای بی‌کران معارف الهی است که می‌تواند پاسخ‌گوی تمامی نیازهای معنوی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها در هر زمان و مکان باشد و تشنگان معرفت را سیراب کند. لیکن فهم و درک مفاهیم بلند قرآنی و گرفتن پیام‌های سعادت‌بخش این کتاب آسمانی، کار ساده‌ای نیست؛

زیرا آیه آیه آن نیاز به شرح و تفسیر دارد. بنابراین بر مفسر لازم است که افزون بر برخورداری از دانش‌هایی برای آمادگی در جهت انجام این کار بزرگ، به شرایط زمان خود نیز آشنا بوده و بیش از همه این‌ها، به قرآن و شفاف‌بخشی آن ایمان داشته باشد، زیرا بزرگ‌ترین نشانه و کلید فهم قرآن، ایمان به این کتاب آسمانی است.

حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی (رحمته‌الله) افزون بر اینکه یک مجتهد جامع‌الشرایط، عالمی زمان‌شناس، سیاست‌مداری صادق، و متفکر و اندیشمندی برجسته در حوزه معارف اسلامی است، از جمله افرادی است که از سواد دل به قرآن کریم ایمان دارد؛ به طوری که نشانه‌های عمق اعتقاد و ایمان این عالم ربّانی و نورانی را می‌توان به وضوح از خلال مباحث تفسیری ایشان مشاهده نمود. معظم‌له اگرچه فرصت سال‌های متمادی تتلمذ در محضر حضرت علامه طباطبایی (رحمته‌الله) را داشته‌اند ولی کمتر به‌عنوان یک مفسر قرآن شناخته می‌شوند؛ به همین علت این کتاب — که ان‌شاءالله در قالب جلد‌های دوم و سوم نیز ادامه خواهد داشت — از جهت طرح و ارائه مباحث تفسیری ایشان در نوع خود کم‌نظیر است.

مجموعه فراهم شده، تقریرات درسی حضرت استاد (رحمته‌الله) در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ است که برای دانشجویان مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (رحمته‌الله) با عنوان «تفسیر موضوعی قرآن کریم» ارائه شده است. استاد به این مناسبت، ابتدا به معرفی تفسیر موضوعی و ملاحظات خاص آن پرداخته و سپس به‌عنوان نمونه، به تفسیر دو آیه مهم و بحث‌برانگیز قرآن کریم در این خصوص، یعنی آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران با موضوع «محکم و متشابه» و «تأویل»، و آیه سی‌ام سوره مبارکه زمر با موضوع «دین اسلام» و «فطرت» پرداخته‌اند. حضرت استاد (رحمته‌الله) در پایان مباحث نیز به آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی اشاره نموده و نقدهای جدی و اساسی خویش را بر تفاسیر نگاشته‌شده در سال‌های اخیر مطرح نموده‌اند.

آنچه مباحث تفسیری ایشان را از دیگر تفاسیر نگاشته شده بر قرآن کریم متمایز نموده و بر جذابیت و ارزش آن می‌افزاید و خواننده را به مطالعه عمیق آن ترغیب می‌کند، عبارت است از:

۱. طرح سؤال در ابتدای مباحث و مسئله‌محور بودن در پرداختن به موضوعات قرآنی؛ که موجب تحریک ذهن مخاطب و ایجاد دغدغه جهت پاسخگویی به مسائل است. بی‌شک تا زمانی که در ذهن مخاطب سؤالی ایجاد نشود، علاقه‌مند به پیگیری مباحث نخواهد بود. حضرت استاد (رحمه‌الله) در ابتدای مباحث تفسیری خود و با توجه به مخاطبان مستقیم این مباحث که دانشجویان دوره دکتری بوده‌اند، به طرح سؤال می‌پردازند و جهت آشنا کردن مخاطب با مسئله، نظرات مختلف در خصوص موضوع مورد بحث را نیز بیان می‌دارند. بدیهی است سؤالات طرح شده به تمامی مخاطبان این مباحث نظر دارد و موجب تشحیذ ذهن خوانندگان محترم این کتاب نیز هست. پیگیری مکرر مباحث در جلسات بعد توسط دانشجویان حاضر در کلاس - که در مواردی نیز موجب از هم‌گسیختگی نظم جلسات شده - نشان‌دهنده درگیر شدن ذهن مخاطبان با موضوع است که خود بیانگر هنر این استاد فرزانه در تربیت شاگرد و آموزش صحیح روش تدبیر در قرآن کریم نیز می‌باشد.

لازم به ذکر است که ملاک اصلی در تهیه و تنظیم این اثر، موضوع مباحث بوده و به همین دلیل نظم جلسات نادیده گرفته شده است زیرا در هر جلسه، شاهد پرسش‌های متعدد دانشجویان از مباحث پیشین بوده که استاد را ناگزیر از پرداختن و تفصیل بیشتر آن مباحث کرده است.

۲. تفصیل نظرات عالمان و اندیشمندان قرآنی جهان اسلام، اعم از مفسران شیعه و اهل سنت و بیان نقاط قوت و ضعف و سپس نقد عالمانه و منصفانه آن‌ها، ویژگی دیگر روش تفسیری حضرت استاد (رحمه‌الله) است. ایشان، ضمن فروتنی تمام در معرفی خویش به‌عنوان شاگرد علامه طباطبایی (رحمه‌الله)، در عین حال به تقریر نظرات این عالم فرزانه پرداخته و در مواردی با ظرافت

تمام، نظر خویش را نیز بیان نموده و ادله مورد تأیید خود را شرح می‌دهند. به همین علت در تهیه و تنظیم این اثر تلاش شده تا حدّ ممکن، مباحث طرح شده، با نظرات علامه طباطبایی (ره) در تفسیر شریف المیزان مقایسه شود و مطالب و نظرات ایشان در پانویس درج گردد تا خواننده فهیم و علاقه‌مند بتواند به سهولت، مشابهت‌ها و افتراق‌های میان نظرات این دو عالم اندیشمند و فرزانه را درک کند.

در مواردی نیز حضرت استاد (ره) به نقد نظرات مطرح در تفاسیر مفاتیح‌الغیب، المنار و دیگر کتب عالمان اهل سنت می‌پردازند که نشان‌دهنده آشنایی و تسلط این استاد فرهیخته به مباحث مطرح علمی در تفاسیر جهان اسلام و گویای وجه علمی کمتر شناخته‌شده‌ای از معظم‌له است.

۳. طرح مباحث مختلف با تأکید بر دلایل استوار، استدلال‌های متقن، و آیات و روایات متعدد، مؤید آن است که حضرت استاد (ره) یک تفسیر علمی، جامع و معتبر از خویش بر جای گذاشته است. مطالعه اجمالی مجموعه آثار تفسیری آیت‌الله مهدوی کنی (ره) نشان می‌دهد ایشان به شدت از طرح مباحث سطحی اجتناب کرده و تلاش دارند تا در پرداختن به هر موضوع، تمامی زوایا و ابعاد مختلف آن را مورد مذاقه و کاوش قرار دهند و نظرات خویش را به اتکای ادله متعدد و متقن تبیین نمایند. بی‌شک این اقدام حکایت از روحیه علمی و محققانه ایشان دارد که موجب شکل‌گیری روحیه تحقیق و پژوهش‌گری در دانشجویان نیز می‌شود.

۴. از آنجا که حضرت استاد (ره) به عنوان سیاست‌مداری صادق و مدیری مجرب، فردی آشنا به شرایط زمان و آگاه از مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام بوده، در ضمن تفسیر آیات قرآنی، به بیان مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی و سیاسی مسلمانان، به‌ویژه نسل جوان پرداخته است. به‌ویژه مشکلاتی که امروزه جهان اسلام با آن‌ها روبه‌رو است. ایشان تلاش دارد با بهره‌گیری از مفاهیم و پیام‌های قرآنی، راه‌حلی برای از میان بردن این

مشکلات ارائه دهد. بنابراین، مطالعه این کتاب تفسیری و دیگر آثار معظم<sup>۱</sup> برای جوانان علاقه‌مند به انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران اداره امور کشور و جهان اسلام بسیار سودمند خواهد بود.

### چند تذکر:

به اقتضای فضای آموزشی ارائه این مباحث در کلاس درس، حضرت استاد (علیه السلام) در اشاره به آیات قرآنی و روایات مورد بحث، تنها به بیان چند جمله اکتفا کرده‌اند که به همین علت سعی شده در پانویس، اصل آیات و روایات به همراه نشانی دقیق و معتبر آنها درج شود. همچنین از آنجا که این مباحث، مستقیماً برای دانشجویان مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث بیان شده، جهت فهم اصطلاحات تخصصی این رشته برای عموم مخاطبان، توضیحی اجمالی در پانویس بیان شده است و به‌طور کلی تلاش شده تا مجموعه بیانات حضرت استاد (علیه السلام) به‌گونه‌ای دقیق و منظم مستندسازی شود. همچنین از آنجا که پرسش‌های متعددی توسط دانشجویان در خلال کلاس مطرح می‌شده که استاد با صبر و حوصله به پاسخگویی به آنها پرداخته‌اند، لذا جهت یکسان و روان شدن مباحث، متن سؤالات حذف، و پاسخ استاد در قالب موضوعی مشخص تبیین شده است. برخی پرسش‌ها نیز خارج از موضوع کلاس بوده که در این مجموعه حذف شده‌اند، ولیکن متن کامل آنها جهت مستندسازی، در پرونده علمی اثر موجود است. آنچه که شما خواننده گرامی به‌عنوان این کتاب در اختیار دارید حاصل یک کار گروهی است که اگرچه در حدود ۱۳ سال گذشته دچار وقفه‌هایی

---

۱. به‌ویژه مطالعه کتاب «خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی»، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۵) و نیز کتاب «سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی؛ مجموعه خطبه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله مهدوی کنی در نماز جمعه تهران»، نشر دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (۱۳۹۳) در این خصوص راهگشاست.

شده ولی همواره رو به تکامل داشته است. در این میان، هم‌زمان با ارائه این درس از سوی حضرت استاد (رحمته‌الله) در سال تحصیلی ۱۳۸۰، از طریق نوارهای صوتی، مباحث درسی معظّم‌له پیگیری و به کمک گروهی از دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث به پیاده‌سازی متن نوارها و کتابت آنها اقدام شده است. همین‌جا لازم است از همکاری آقای علی سیفیان، مسئول محترم وقت دفتر حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله) و آقای مجتبی منتظری، دانشجوی وقت کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث قدردانی نماییم.

مطالب گردآوری‌شده در قالب مجموعه‌ای مفصل از اوراق مکتوب که حاصل سه درس در سه نیمسال آموزشی بود پس از وقفه‌ای چندساله، نخست در سال ۱۳۹۰ برای آماده‌سازی و انتشار در اختیار معاونت پژوهشی دانشگاه قرار گرفت و تا سال ۱۳۹۲ به‌طور کامل اسکن شد. سپس در سال ۱۳۹۳ با ابراز علاقمندی و اضافه‌شدن آقای محمد جانی‌پور، مسئولیت خطیر تدوین، تبویب، تنقیح و مستندسازی علمی متن تقریرهای درسی حضرت استاد (رحمته‌الله) را ایشان به‌عهده گرفت. بازخوانی متن نهایی اثر را نیز آقای نادر جعفری انجام داده که - به‌واسطه تدوین مجموعه خطبه‌ها و سخنرانی‌های معظّم‌له در نمازهای جمعه تهران (در طول سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۷) و نیز ارتباط کاری نزدیک در خدمت استاد در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ - آشنایی بیشتری با کلام و گفتار معظّم‌له داشت.

بدیهی است با توجه به نقشی که ما شاگردان غیرمستقیم حضرت استاد (رحمته‌الله) در تقریر مباحث علمی و تفسیری معظّم‌له و تدوین، مستندسازی علمی و ویرایش متن جهت انتشار به‌عهده داشته‌ایم، هرگونه کاستی و ضعف در مطالب این کتاب و به‌ویژه در خصوص مستندات (از جمله در متن، ترجمه و نشانی آیات و روایات و سایر منابع مکمل در پانویس‌ها) به‌عهده اینجانبان بوده و امیدواریم خوانندگان محترم کتاب با تذکر این‌گونه موارد به تکمیل کتاب یاری رسانند.



در پایان بر خود لازم می‌دانیم از آقایان دکتر عادل پیغامی، معاون محترم پژوهشی دانشگاه و نیز دکتر محمدرضا عطاردی، مدیرکل محترم پژوهش و نشر دانشگاه و سایر مسئولان محترم دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) بابت فراهم نمودن مقدمات و پشتیبانی از تولید و نشر این اثر قدردانی نماییم. همچنین از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر عباس مصلائی پور که مسئولیت داوری و ارزیابی علمی اثر را پذیرفتند و با رهنمودهای خویش در ارتقای کیفی و علمی آن کوشیدند سپاسگزاری می‌نماییم. باشد که این خدمت ناچیز، در پیشگاه حضرت ولی‌عصر (علیه‌السلام) پذیرفته شود و موجب رحمت برای آن استاد و مربی فرزانه باشد.

دکتر نادر جعفری هفت‌خوانی

عضو هیأت علمی  
دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)  
ذی‌القعدة ۱۴۳۶

دکتر محمد جانی‌پور

دکتری علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)  
و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان  
شهریور ۱۳۹۴



---

## فصل اول: کلیات

---

### ۱-۱. مقدمه

در مورد قرآن کریم، این آخرین کتاب نازل شده بر بشریت، دو نوع نگاه وجود دارد؛ نگاهی از بیرون و نگاهی از درون. نگاه بیرونی به مباحثی که در حوزه مسائل مرتبط با فهم قرآن و علوم پیرامونی قرآن مطرح است، و نگاه درونی به متن قرآن و تفسیر آن و اقسام تفاسیر می‌پردازد.

سؤالی که در این خصوص مطرح است، آن است که رابطه این دو نوع نگاه با یکدیگر چیست؟ علوم قرآنی چه کمکی به فهم قرآن کریم می‌کنند؟ اصولاً تفسیر به چه معناست؟ تفاوت آن با ترجمه و توصیف چیست؟ گونه‌های مختلف تفسیر قرآن کریم چیست؟ علت بیان شأن نزول آیات در تفاسیر چیست و چرا بدون دانستن آنها نمی‌توان فهم کاملی از آیه داشت؟ چرا امروزه از یک کلام، چند گونه برداشت صورت می‌گیرد؟ روش‌های تفسیر قرآن چند نوع است و کدام‌یک از آنها معتبر و کدام نادرست است؟ و سؤالاتی از این دست که می‌بایست به آنها پرداخت.

### ۱-۲. نیازمندی قرآن کریم به تفسیر

یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح در بحث تفسیر قرآن کریم، نیاز این کلام

الهی به تفسیر است. چرا این متن، نیازمند به تفسیر شدن دارد؟ چرا با وجود دانستن زبان عربی، امکان فهم مفاهیم و معارف این کلام الهی برای همگان وجود ندارد؟ مسئله تفسیر قرآن کریم که معتقدیم لازم و حتمی است، و باید باشد، آیا به آن معناست که آیه‌ای در مرتبه ظاهری و لغوی ابهام دارد و صرفاً به واسطه فهم لغات عربی آن، می‌توان آن را تفسیر کرد؟ آیا منظور از تفسیر، فهم لغات و واژگان آیه است؟

اگر بنا باشد صرفاً لغت‌های یک آیه را ترجمه کنیم و سپس بگوییم فهمیدیم که آیه شریفه:

«أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»<sup>۱</sup> یا «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى»<sup>۲</sup>

چه می‌خواهد بگوید، این مطلب را هرکس اندک آشنایی با زبان عربی داشته باشد، می‌تواند بفهمد. پس علت نگارش تفاسیر متعدد چیست؟ چرا عنوان «تفسیر» برای آن‌ها انتخاب شده درحالی‌که می‌بایست عنوان «لغت‌نامه» و «قاموس لغت» برای آن‌ها انتخاب می‌شد؟

بعضی از اندیشمندان، اساساً تفسیر قرآن را قبول ندارند، زیرا معتقدند تفسیر، کشف حجاب است و از آنجا که قرآن کریم در ذات خود حجاب و ابهامی ندارد و تبیان همه چیز است،<sup>۳</sup> لذا دیگر نیازی به تبیان و تفسیر ندارد. این افراد معتقدند چون می‌توانیم مفهوم واژگان قرآنی را بیان کنیم، لذا دیگر تفسیر جایگاهی نداشته و بالاتر از کلام خداوند و آنچه اهل بیت (علیهم‌السلام) در این زمینه گفته‌اند، نمی‌توان کلامی گفت. در مواجهه با کلیات، عمومات و اطلاعات قرآنی نیز صرف بیان مفهوم و ترجمه لغات و داشتن یک درک کلی از آیه را کافی دانسته و ابهام در کیفیت و میزان عمل را ناشی از موارد دیگر

۱. نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید (البقره: ۴۳).

۲. مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارند، می‌پردازند (صدقه می‌دهند) (البقره: ۱۷۷).

۳. اشاره به آیه: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ و کتاب را برای بیان هر چیز بر تو نازل کرده‌ایم (النحل: ۸۹).

از جمله عدم درک سنت دانسته‌اند و لذا به جای روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر قرآن به سنت را معتبر می‌دانند.<sup>۱</sup>

بعضی از علما و محدثان شیعه که اصطلاحاً «اخباری» نامیده می‌شوند و یا بعضی از علمای اهل سنت که «ظاهریه» نامیده می‌شوند نیز از آنجا که بسیار به حفظ الفاظ قرآن مقید بوده و تلاش داشتند تا فراتر از ظاهر متن حرکت نکرده و صرفاً به ظاهر آیات می‌پرداختند، اساساً تفسیر قرآن را قبول نداشتند و لذا هرگونه تفسیر و برداشت فراتر از ظاهر آیات را بدعت<sup>۲</sup> می‌دانستند. به عنوان مثال در خصوص آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ»<sup>۳</sup> معتقد بودند واقعاً عرش و تختی وجود داشته و واقعاً جلوس و استوائی توسط خداوند بر این عرش صورت گرفته است که نتیجه آن، ایجاد یک تصور

۱. به نظر می‌رسد منظور ایشان، برخی اخباریون شیعه است که گمان می‌کردند تفسیر قرآن به قرآن، موجب افتراق بین ثقلین است و فهم قرآن، منحصر در اهل بیت (علیهم‌السلام) است، به همین دلیل مبنا قرار دادن قرآن در تفسیر را باطل دانسته و بر لزوم مراجعه به اهل بیت (علیهم‌السلام) در فهم قرآن تأکید داشتند. در پاسخی اجمالی به این گونه نظرات باید گفت که آنچه همتای قرآن است، عترت است نه خبر ضعیف که از لحاظ سند، اصل صدور، جهت صدور و دلالت، ظنی است و احتمال وضع و تحریف و تصحیف در آن وجود دارد. از همین رو، سر تأکید ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بر عرضه احادیث ایشان به قرآن جهت اثبات وثاقت آن‌ها روشن می‌شود که به علت تواتر و کثرت به «اخبار عرض» مشهور شده‌اند. همچنین باید توجه داشت بی‌شک چنین برداشت‌هایی با ظاهر قرآن نیز مخالفت دارد زیرا قرآن کریم، همگان را به اموری همچون تدبیر، تحلیلی و تعقل دعوت کرده است.

۲. بدعت‌گذاری در دین از گناهان کبیره است و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این مورد فرموده است: «كُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٍ وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۱۴۵). باید توجه داشت که «بدعت»، نوعی تصرف در دین از طریق افزودن یا کاستن شریعت است. اساس بدعت به این مطلب باز می‌گردد که چیزی را به‌عنوان یک امر شرعی به‌کار برند، درحالی‌که برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه‌ای در شرع وجود نداشته است (سبحانی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۲۰).

۳. (الاعراف: ۵۴).

جسمانی از خداوند بوده است.<sup>۱</sup> احتمالاً ترس از اینکه بخواهند دخالتی در متن قرآن کرده و ظاهر را تغییر دهند، این افراد را به سمت چنین نگاه و برداشتی سوق داده است.

البته اخباریون شیعه به دلیل تبعیت از ائمه اطهار (علیهم السلام)، کمتر گرفتار این مشکلات شدند، ولیکن ظاهریه اهل سنت، خیلی مشکل پیدا کردند، زیرا به خاطر حفظ ظواهر و شکل متن، گرفتار و اسیر ظاهر شده و عمدتاً کلمات قرآن را شکلی و ظاهری تفسیر می‌کردند.

### ۱-۲-۱. بررسی مفهوم تفسیر و واژگان متقارب آن

جهت پاسخ به این سؤال، در ابتدا لازم است مفهوم «تفسیر» و وجوه تمایز آن از دیگر لغات متقارب و مترادف آن بیان شود. لغت «تفسیر» در زبان عربی به معنای کشف و برداشتن حجاب و پرده از روی یک چیز است،<sup>۲</sup> چنانکه

---

۱. ابن بطوطه در سفرنامه خویش آورده است: «وارد مسجد دمشق شدم، ابن تیمیه را بالای منبر دیدم که سخن از جسمیت خدا می‌گفت و از نشستن خدا بر تخت سلطنت حکایت‌ها می‌یافت. آن‌گاه گفت: خداوند از عرش خود نزول اجلال می‌فرمایند، مانند من که از منبر فرود می‌آیم. آن‌گاه بلند شده چند پله فرود آمد، که غوغا بلند شد...» (رحله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۵۷).

۲. واژه «تفسیر» از ریشه فعل «فَسَّرَ» و در لغت به معنی اظهار مفهومی است که درباره آن تعقل و اندیشه به کار رفته و معقول باشد که عمدتاً به بیان و تفصیل کتب الهی تعبیر شده است (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۴۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵۸). برخی نیز این واژه را مشتق از «سَفَّرَ» به معنای کشف و ظهور شیء دانسته‌اند و علم تفسیر را، علم به اصولی دانسته که به واسطه آنها کلام الهی کشف و فهمیده می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲).

در اصطلاح علوم قرآنی نیز چندین تعریف برای تفسیر بیان کرده‌اند: علم فهم قرآن؛ تفهیم مراد خداوند از قرآن در حد مستطاع بشر؛ علمی که در آن از احوال الفاظ کلام خدا از نظر چگونگی و دلالت آن‌ها بر مراد خداوند بحث می‌شود؛ علمی که حقیقت معانی قرآن را به مقتضای قواعد لغوی و نحوی و بلاغی به واسطه کاربست اسباب نزول، ترتیب نزول، ادامه در صفحه بعد

لغت «تصویر» هم تا حدودی با همین معنا مناسبت دارد و به معنای بیرون آوردن شیئی از یک محل و نمایش دادن آن است.<sup>۱</sup> در زبان عربی از این گونه لغت‌های متقارب زیاد وجود دارد، که هم از نظر لفظ با هم متقاربتند و هم از نظر معنا به هم نزدیک هستند، مثل واژگان سد و صد، یا رفع و دفع. از این گونه لغات در قرآن کریم نیز زیاد وجود دارد.<sup>۲</sup> اگر واژه تفسیر درباره کلام استعمال شود، معنایش این است که مقصود کلام متکلم را می‌خواهیم بیان کنیم. حال یا ابهام ظاهری آن را رفع می‌کنیم، یا با استفاده از قرائن موجود در همان کلام یا قرائنی دیگر، مقصود متکلم را کشف و تبیین می‌کنیم.

«ترجمه»<sup>۳</sup> نیز بیان مفهوم لغوی واژه است و تبدیل لفظی است به لفظ دیگر از زبانی به زبان دیگر، بنابراین ممکن است ترجمه، همان ابهامی را داشته باشد که اصل لغت دارد و حتی ممکن است ابهامش بیشتر هم باشد، چنانکه گاهی در ترجمه‌های قرآن، ملاحظه می‌شود که ابهام متن ترجمه از

توضیح اشارات و مجملات، تمیز ناسخات و منسوخات و محکمتات و متشابهات از یکدیگر بیان می‌کند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۵، ص ۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۲-۱۵).

۱. واژه «تصویر» مصدر از ریشه فعل «صَوَّرَ»، آن چیزی است که اجسام و اعیان با آن نقش‌بندی و شکل‌بندی می‌شود و به واسطه آن، از همدیگر متمایز می‌گردند (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۹۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۳۲).

۲. همان گونه که گاه کلمه‌ای در قرآن کریم برای بیان معانی مختلف به کار می‌رود، و سیاق و ساختار کلام، معنای آن را مشخص می‌کند، گاه نیز یک مفهوم با الفاظ متعددی در قرآن بیان می‌شود. باید توجه داشت که این موضوع از باب «ترادف» نیست؛ چنانکه برخی از اهل لغت در مورد آن مناقشه می‌نمایند و بر این باورند که الفاظی که گمان می‌رود با هم مترادفند و یک معنی را بیان می‌نمایند، وقتی به درستی به آن‌ها نگریسته شود، آن گونه نیستند؛ مانند: «قعد» و «جلس»، یا «سَرَّ» و «فرح» و امثال این‌ها. در واقع، تعبیری است از یک چیز و یک معنای واحد، به وسیله الفاظ متفاوت که هر یک از آن‌ها دارای دلالت خاص خود هستند (قرضاوی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۰۷).

۳. واژه «ترجمه» مصدر فعل رباعی بر وزن «فعلل» به معنی برگرداندن و بیان کردن کلام است از زبانی (زبان مبدأ) به زبان دیگر (زبان مقصد) (نویری، بی تا، ص ۱۸۲).

خود آیه بیشتر است و اگر کسی آیه را بخواند و اندکی نیز با زبان عربی آشنا باشد، بهتر متوجه می‌شود تا اینکه ترجمه‌های آن را بخواند.<sup>۱</sup> لفظ دیگری که معمولاً در این‌گونه موارد استعمال می‌شود، واژه «توصیف» به معنای وصف کردن و تعریف یک شیء است، آن‌گونه که هست. البته لغت توصیف در زبان عربی وجود ندارد، بلکه واژه «وَصَفَ» وجود دارد و این یک مصدر جعلی است که اکنون لغت مشهور شده و در زبان عامیانه اعراب استعمال می‌شود.<sup>۲</sup> حال با این پیش‌فرض که لغت و کلام

۱. برخی از عالمان قرآنی از آنجا که معتقدند اعجاز قرآن کریم، هم ناظر به لفظ و هم ناظر به معنا و محتوای آن است (مثلاً ر.ک: ابواسحاق شیرازی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۷۳؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۳۱؛ غزالی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۰۱)، لذا به دلیل ایجاد نقص در ترجمه متن قرآن به هر زبان دیگر، عموماً با جریان ترجمه مخالفت کرده و معتقدند که ترجمه قرآن، یکی از وجوه اعجاز این کتاب را نقض می‌کند. به‌عنوان مثال فخر رازی (د ۶۰۶ق) به نقد تفصیلی جریان ترجمه قرآن برخاسته و برخی مباحث فنی در زمینه‌هایی مانند فاصله زبان فاخر از زبان روزمره در متن و ترجمه قرآن را نیز بررسی کرده است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۱۳).

جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه نظریات مطرح در خصوص ترجمه قرآن و تاریخچه تحول این نظریات و آشنایی با موافقان و مخالفان آن ر.ک:

- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۵ش)، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، تهران: نشر کهن.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۸۲)، «ترجمه قرآن»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خطابی، حمد، (۱۹۹۱م)، «بیان اعجاز القرآن»، ضمن ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، به کوشش محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، قاهره: دار العلم.
- شاطر، محمد مصطفی، (۱۳۵۵ق)، القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المجید، قاهره: دار الصادر.
- مراغی، محمد مصطفی، (۱۳۵۵ق)، بحث فی ترجمه القرآن الکریم و احکامها، قاهره: دار العلم.

۲. جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص ریشه و مشتقات ماده «وَصَفَ» ر.ک: (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۶۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۱۶).



یک امر و حیانی همانند عبادات نیست، به گونه‌ای که حتماً می‌بایست از قدیم چنین لفظی وجود داشته باشد تا بتوان آن را استعمال نمود، پرسش این است که رابطه تفسیر و توصیف چیست؟ آیا می‌توان آیات قرآن را آن گونه که برخی اشیاء را توصیف می‌کنند، توصیف نمود؟

همچنین است واژه «تحلیل»<sup>۱</sup> به معنای تجزیه و تفکیک مطالب، به ویژه در کاربرد اصول فقهی آن، که به دنبال تجزیه و تفکیک یک حکم به همه مکلفان آن است. به عنوان مثال در اصطلاح اصول فقه، وقتی یک حکم کلی از طرف شرع یا قانون گذار گفته می‌شود، مثل: «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» که خطاب عمومی است، در تحلیل این حکم گفته می‌شود به اندازه همه مکلفان، امر آن تجزیه و تفکیک می‌شود، زیرا هر مخاطبی در این مورد، امر به خصوصی دارد، چه آن افرادی که هم‌اکنون موجود هستند و چه آن افرادی که در آینده خواهند آمد.

این مطلب به صورت قضایای حقیقیه در برابر قضایای خارجیّه نیز بیان می‌شود. در قضایای خارجیّه فقط با مخاطب موجود سخن گفته می‌شود، درحالی که در قضایای حقیقیه خطاب نسبت به همه افرادی است که هم‌اکنون حاضر بوده و یا در آینده حاضر خواهند شد. این نوع برداشت از تحلیل احکام، خطاب کلی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن را به تفکیک شامل همه انسان‌ها دانسته و همه را مکلف به آن می‌داند.

### ۲-۲-۱. ضرورت درک حقیقت قرآن

قرآن کریم دارای چهار وجود است؛ لفظی، کتبی، ذهنی و حقیقی. گونه‌های وجود لفظی و کتبی و ذهنی قرآن را همه کسانی که با آن مواجهه دارند دیده‌اند، خوانده‌اند و در ذهن تحلیل می‌کنند. اما آیا حقیقت

---

۱. واژه «تحلیل» مصدر از ریشه کلمه مضاعف «حلل» به معنای تجزیه عناصر چیزی برای مطالعه و آزمایش است (بستانی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۱۵).

قرآن را نیز درک کرده و قرآن به جزئی از وجودشان تبدیل شده است؟ آنچه مهم است، درک حقیقت قرآن است و اینکه در قیامت به انسان مؤمن گفته می‌شود «بخوان و بالا برو»،<sup>۱</sup> دستور و امر اجباری نیست، بلکه نتیجه طبع وجود انسان است که به علت درک حقیقت قرآن، به همان اندازه بالا می‌رود. این وجود حقیقی، همان است که در پیامبر اکرم (ﷺ) یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) تجلی پیدا کرده بود آن هنگامی که از همسر پیامبر (ﷺ) درخواست می‌کنند تا پیامبر را برای ایشان توصیف کند، می‌گوید: «كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنَ»<sup>۲</sup> و این نکته‌ای است که باید به آن توجه داشت.

در مورد قرآن کریم حتماً باید به محتوا توجه کرد. درس‌هایی که در رشته علوم قرآنی دانشگاه یا حوزه خوانده می‌شود، همه مقدمه‌ای است برای درک حقیقت قرآن. تا زمانی که انسان مسئله‌ای را نداند، به آن توجه نکرده و به دنبال پاسخ آن نیز نمی‌رود، لذا دروس دانشگاه مقدمه‌ای است برای توجه پیدا کردن به قرآن کریم. هرچه انسان در این مسیر جلوتر می‌رود، تازه متوجه می‌شود که چیزی نمی‌داند و به قول شاعر:

«تا بدانجا رسید دانش من                      که بدانم همی که نادانم»<sup>۳</sup>

به‌ویژه وقتی درس‌های علوم قرآنی بیان می‌شود، مخاطبان و دانشجویان

۱. این عبارت از حدیث زیر برداشت شده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: يَجِيءُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ مَنْظُورٍ إِلَيْهِ صُورَةٌ فَيَمُرُّ بِالْمُسْلِمِينَ ... فَيَقُولُ لِلْمُؤْمِنِ اقْرَأْ وَارْقَهُ قَالَ فَيَقْرَأُ وَيَرْقَى حَتَّى يَبْلُغَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مَنْزِلَتَهُ الَّتِي هِيَ لَهُ فَيُنزِلُهَا؛ امام باقر (ع) فرمود: روز قیامت قرآن به بهترین صورت بیاید و بر مسلمین گذر کند ... و به هر مؤمنی بگوید: قرآن بخوان و بالا برو، حضرت (ع) فرمود: پس هر کدام قرآن می‌خوانند و بالا می‌روند تا هر مردی از آن‌ها به منزلی که برای او مقرر شده برسد و در آن فرود آید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۰۲).

۲. جهت مشاهده مشروح روایت ر.ک: (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۹ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

۳. (ابوشکور بلخی، بی تا).

تازه متوجه می‌شوند چه مسائل و مباحثی در قرآن کریم وجود دارد که می‌توانند به دنبال آن بروند و در این زمینه تحقیق کنند، لذا به واسطهٔ درس علوم قرآنی می‌بایست با محتوای قرآن و مسائل پیرامونی آن آشنا شد و سپس با آن انس گرفت و حقیقت قرآن را درک کرد.

قرآن کریم مانند دریایی مملو از معارف است که بسیار به فهم مسائل دیگر کمک می‌کند. زمانی که به محضر درس علامه طباطبایی (ره) می‌رفتیم، ایشان در هر موضوعی، تعدادی از آیات قرآن را می‌خواندند و سپس تفسیر می‌کردند. ما نیز آن‌ها را یادداشت کرده و حفظ می‌کردیم، لذا اکنون قسمت‌های زیادی از آن‌ها در ذهن مان مانده است. حال اگر انسان همهٔ قرآن را حفظ باشد و ارتباط آیات را نیز در نظر داشته باشد، آنگاه می‌تواند همهٔ افکار و اندیشه‌ها و اعمال و رفتارش را قرآنی کرده و به آن‌ها نور قرآن ببخشد.

### ۱-۲-۲-۱. طهارت؛ مقدمهٔ درک حقیقت قرآن

درک قرآن نیازمند داشتن طهارت است؛ اول طهارت ظاهری که طهارت از حدث است و دوم طهارت باطنی از خبث و گناه. از آیهٔ شریفهٔ «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۱</sup> چنین استفاده می‌شود که کسانی که مطهر نباشند، با قرآن مساسی ندارند. «مس» یعنی اینکه انسان اتصال پیدا کند با قرآن و به آن وصل شود.<sup>۲</sup> علامه طباطبایی (ره) می‌فرمودند: از این آیه می‌فهمیم که حقیقت قرآن را غیر از مطهرین، هیچ‌کس نمی‌تواند بفهمد. البته اینکه درجات

۱. جز پاکان نمی‌توانند به آن [قرآن] دست بزنند (الواقعه: ۷۹).

۲. واژه «يَمَسُّ» از ریشه «مسس» به معنای مس کردن اخذ شده که در تفاوت آن با لمس کردن گفته شده: «لمس» درک اشیاء به واسطهٔ حواس ظاهری است، ولیکن «مس» مطلق درک با حواس ظاهری و باطنی است. عمده کاربرد این واژه در قرآن کریم برای کنایه از نکاح است، مانند: «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ» (البقره: ۲۳۶). (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲۲؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۰؛ خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۶۹).

تطهیر چگونه است، از مسائل تشکیکی است. نهایت اینکه هر چقدر انسان پاک باشد و نورانیت داشته باشد، حقیقت قرآن را بهتر درک خواهد کرد.

اینکه در خصوص قرآن کریم گفته شده:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

و در آن هیچ شک و تردیدی نیست و اساساً برای رفع ریب آمده، معنایش این نیست که کسی به قرآن شک نمی‌کند، زیرا بسیاری از افراد در محتوای آن شک کرده‌اند، بلکه منظور باطل‌کننده هر شک و شبهه‌ای است.

همان‌گونه که مفسران ذیل آیه شریفه:

«لَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»<sup>۲</sup>

می‌گویند ممکن است فردی مرتکب این اعمال در حج بشود، اما آن حجی موردنظر خداوند است که انسان را از این موارد دور کند. لذا این عبارت در واقع امر و نهی است که به صورت نفی آمده و قصد دارد زمینه وجود چنین حج ناقص و نامطلوبی را بردارد.

بنابراین منظور از اینکه خداوند می‌فرماید: «لَا رَيْبَ فِيهِ» آن است که این کتاب باطل‌کننده هر شک و شبهه‌ای است و هر کس به آن تمسک کند، به حقیقت و یقین می‌رسد. حال آن زمینه‌ای که می‌تواند ما را به کتاب الهی متصل کرده و متمسک به آن کند، «تطهیر» است. طهارت برای انسان نور می‌آورد، و این است نور حقیقی:

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ»<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم (ﷺ) نیز رسالت خود را با یقین و احکام شروع کرد، نه با شک و تردید، زیرا مطهر بود و حقیقت قرآن را درک کرده بود. لذا کسب طهارت برای فهم قرآن و کسب نور لازم است.

۱. [قرآن] آن کتابی است که شک در آن راه ندارد (البقره: ۲).

۲. در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست (البقره: ۱۹۷).

۳. از طرف خداوند، نور و کتاب آشکاری به‌سوی شما آمده است (المائده: ۱۵).